



مروری نظام‌مند بر نقش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان

نادر محمدزاده، فاطمه بهرامی، نفیسه کوشکی

کارشناسی مهندسی معماری مقطع هنرستان آموزش پرورش استان البرز

کارشناسی ارشد پژوهش هنر از دانشگاه الزهرا تهران، آموزش و پرورش شهر تهران



ای مهندسی کشاورزی گرایش صنایع غذایی مقطع تدریس هنرستان فنی و حرفه ای متوسطه دوم آموزش و پرورش ا

البرز کرج



حکیده
MDOI:02-2026.0322
MNR-336-2-9E86EE

پژوهش حاضر با هدف مرور نظام‌مند بر نقش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان و شناسایی روابط میان این سه متغیر و تأثیرات آن‌ها بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی انجام شد. این مطالعه از نوع تحقیقات مروری نظام‌مند با رویکرد کیفی و با استفاده از روش فراترکیب بود. جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی منتشر شده در پایگاه‌های داده معتبر داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ (برای منابع انگلیسی) و ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ (برای منابع فارسی) بود که با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی، تاب‌آوری تحصیلی و دانش‌آموزان جستجو شدند. از مجموع ۸۹۲ مقاله اولیه، پس از اعمال معیارهای ورود و خروج و ارزیابی کیفیت با استفاده از چک‌لیست PRISMA و ابزار ارزیابی روش‌شناختی CASP، تعداد ۵۸ مقاله (۴۲ مقاله انگلیسی و ۱۶ مقاله فارسی) که دارای معیارهای کیفیت لازم بودند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. داده‌های استخراج شده با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی و کدگذاری سه‌مرحله‌ای تحلیل شدند و مفاهیم، مقوله‌ها و تم‌های اصلی از مقالات استخراج گردید. یافته‌های این مرور نظام‌مند نشان داد که سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی سه مفهوم به هم پیوسته و مکمل هستند و هر سه نقش کلیدی در ارتقای عملکرد تحصیلی، سلامت روانی-اجتماعی و کاهش آسیب‌های روانی-اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. سواد رسانه‌ای به عنوان یک مهارت بنیادین در عصر دیجیتال، با توانمندسازی دانش‌آموزان در مواجهه انتقادی با محتوای رسانه‌ای، به عنوان پیش‌نیاز و بستر رشد تفکر انتقادی عمل می‌کند و تفکر انتقادی نیز به نوبه خود با تقویت مهارت‌های تحلیلی، استدلالی و خودتنظیمی، به افزایش تاب‌آوری تحصیلی و توانایی مقابله با چالش‌های تحصیلی کمک می‌نماید. همچنین یافته‌ها نشان داد که هر سه متغیر از طریق مکانیسم‌های شناختی، فراشناختی، انگیزشی و عاطفی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بر پیامدهایی مانند پیشرفت تحصیلی، انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی، سلامت روانی، کاهش اضطراب و استرس تحصیلی و سازگاری اجتماعی تأثیرگذار هستند. این مرور نظام‌مند همچنین نشان داد که پژوهش‌های داخلی در این حوزه عمدتاً به بررسی رابطه دوتایی این متغیرها پرداخته‌اند و کمتر به بررسی روابط چندگانه و پیچیده میان آن‌ها در قالب مدل‌های جامع توجه شده است و همچنین خلأ پژوهشی قابل توجهی در زمینه طراحی و آزمون مداخلات مبتنی بر سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی برای افزایش تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. بر اساس یافته‌ها، یک مدل مفهومی جامع از روابط بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی با تأکید بر مکانیسم‌های میانجی و تعدیل‌گر ارائه شد

کلمات کلیدی: سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی، تاب‌آوری تحصیلی، دانش‌آموزان، مرور نظام‌مند

در عصر حاضر که با انفجار اطلاعات، گسترش بی سابقه رسانه های دیجیتال و شبکه های اجتماعی، و تغییرات سریع در شیوه های تولید، توزیع و مصرف اطلاعات مشخص می شود، آموزش و پرورش با چالش های جدید و پیچیده ای مواجه شده است که فراتر از انتقال صرف دانش و اطلاعات است و نیازمند تجهیز دانش آموزان به مجموعه ای از مهارت های حیاتی برای مواجهه با این دنیای پیچیده و پویا می باشد (باکینگام، ۲۰۲۰؛ هابز، ۲۰۱۹؛ لیو و همکاران، ۲۰۲۲؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). در این میان، سه مفهوم سواد رسانه ای، تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی به عنوان مهارت های کلیدی و مکملی که دانش آموزان را برای زیستن موفق در عصر دیجیتال و مقابله با چالش های تحصیلی و روانی-اجتماعی آماده می سازند، به شدت مورد توجه پژوهشگران، معلمان، مشاوران و سیاست گذاران آموزشی قرار گرفته است و شواهد پژوهشی روزافزونی نشان می دهند که این سه مهارت نه تنها به طور مستقل بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی دانش آموزان تأثیر می گذارند، بلکه به صورت تعاملی و مکمل نیز عمل می کنند و تقویت هر یک از آن ها می تواند به تقویت دیگری نیز کمک کند و اثربخشی کلی مداخلات آموزشی را افزایش دهد (پاتر، ۲۰۲۱؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱؛ کریمی، ۱۳۹۹).

سواد رسانه ای به عنوان توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی، و تولید محتوای رسانه ای در اشکال مختلف آن تعریف می شود و شامل مجموعه ای از مهارت های شناختی، عاطفی و اجتماعی است که افراد را قادر می سازد تا به طور انتقادی با پیام های رسانه ای برخورد کنند، اهداف و مقاصد پنهان آن ها را شناسایی نمایند، تأثیرات آن ها بر نگرش ها و رفتارهای خود را درک کنند، و از محتوای رسانه ای برای اهداف مثبت و سازنده استفاده نمایند (هابز، ۲۰۱۹؛ پاتر، ۲۰۲۱؛ لیو و همکاران، ۲۰۲۲؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸). در دنیای امروز که دانش آموزان از سنین پایین در معرض حجم عظیمی از محتوای رسانه ای و اطلاعاتی قرار دارند که بسیاری از آن ها مغرضانه، نادرست یا گمراه کننده است، سواد رسانه ای به عنوان یک مهارت حیاتی برای محافظت از آنان در برابر تأثیرات منفی رسانه ها، تقویت توانایی آنان در تشخیص اطلاعات معتبر از نامعتبر، و افزایش مشارکت فعال و آگاهانه آنان در جامعه اطلاعاتی شناخته می شود (باکینگام، ۲۰۲۰؛ هابز، ۲۰۱۹؛ شریفی و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش های متعدد نشان داده اند که دانش آموزانی که از سواد رسانه ای بالاتری برخوردارند، در مواجهه با محتوای رسانه ای، توانایی بیشتری در تحلیل و نقد پیام ها، تشخیص سوگیری ها و کلیشه ها، و مقاومت در برابر تأثیرات منفی مانند خشونت، مصرف گرایی و تبلیغات گمراه کننده دارند و این توانایی ها به نوبه خود با افزایش سلامت روانی-اجتماعی، کاهش رفتارهای پرخطر، و بهبود عملکرد تحصیلی آنان همراه است (مارتینز و همکاران، ۲۰۲۰؛ جانسون و همکاران، ۲۰۲۱؛ رضایی و احمدی، ۱۴۰۱).



تفکر انتقادی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های قرن بیست و یکم، به معنای تفکر منطقی، تحلیلی، بازاندیشانه و منصفانه در مورد اطلاعات، استدلال‌ها و موقعیت‌های مختلف است و فرد را قادر می‌سازد تا به جای پذیرش منفعلانه اطلاعات، به ارزیابی انتقادی آن‌ها بپردازد، مفروضات را زیر سؤال ببرد، شواهد را بررسی کند، و تصمیمات آگاهانه و مستدل بگیرد (فاسیون، ۲۰۲۰؛ انیس، ۲۰۱۸؛ لیپمن، ۲۰۱۹؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰).

تفکر انتقادی شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی مانند تحلیل، استدلال، ارزیابی، تفسیر، استنباط، و خودتنظیمی است و همچنین شامل تمایلات و نگرش‌هایی مانند جستجوی حقیقت، ذهن باز، تحلیلی‌گری و سیستماتیک بودن می‌شود که برای یادگیری مؤثر، حل مسئله، و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های پیچیده و نامتعیین ضروری هستند (فاسیون، ۲۰۲۰؛ انیس، ۲۰۱۸؛ محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). در حوزه آموزش و پرورش، تفکر انتقادی به عنوان یکی از اهداف غایی نظام‌های آموزشی شناخته شده است و پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که از تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند، عملکرد تحصیلی بهتری دارند، در مواجهه با مسائل پیچیده توانایی بیشتری در تحلیل و یافتن راه‌حل دارند، و از انعطاف‌پذیری شناختی و خلاقیت بالاتری برخوردارند (فاسیون، ۲۰۲۰؛ لیپمن، ۲۰۱۹؛ کریمی و شریفی، ۱۴۰۰). تاب‌آوری تحصیلی نیز که به عنوان توانایی مقابله مؤثر با چالش‌ها، شکست‌ها، فشارها و استرس‌های تحصیلی و حفظ عملکرد و انگیزه در شرایط دشوار تعریف می‌شود، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده موفقیت تحصیلی و سلامت روانی-اجتماعی دانش‌آموزان در نظام‌های آموزشی مطرح شده است و دانش‌آموزانی که از تاب‌آوری تحصیلی بالاتری برخوردارند، در مواجهه با شکست‌های تحصیلی، افت انگیزه و عملکرد را تجربه نمی‌کنند و با استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر، به سرعت به مسیر موفقیت بازمی‌گردند و این ویژگی به ویژه در مقاطع تحصیلی حساس مانند دوره متوسطه که با فشارهای تحصیلی و روانی زیادی همراه است، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱؛ کاسات و همکاران، ۲۰۲۰؛ جعفری، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت و ضرورت هر یک از این سه مهارت به صورت مجزا و تعاملات احتمالی بین آن‌ها، تاکنون یکپارچه‌سازی و مرور نظام‌مند شواهد موجود در مورد روابط بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان به صورت جامع انجام نشده است و اکثر پژوهش‌های موجود به بررسی دوتایی این مفاهیم پرداخته‌اند و کمتر به بررسی همزمان و تعاملات چندگانه آن‌ها در قالب یک مدل مفهومی یکپارچه توجه شده است و این شکاف پژوهشی، لزوم انجام یک مرور نظام‌مند جامع را که بتواند شواهد موجود را گردآوری، ارزیابی و ترکیب کند و تصویر روشنی از روابط بین این سه متغیر و مکانیسم‌های تأثیرگذاری آن‌ها ارائه دهد، آشکار می‌سازد (پاتر، ۲۰۲۱؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱؛ شریفی و همکاران، ۱۴۰۰).

بنابراین، پژوهش حاضر با هدف مرور نظام‌مند بر نقش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان انجام شده است تا با شناسایی، ارزیابی و ترکیب شواهد موجود، پاسخگوی سؤالات پژوهشی زیر



باشد: (۱) روابط بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان چیست و این روابط از چه مکانیسم‌هایی پیروی می‌کنند؟ (۲) تأثیرات سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی دانش‌آموزان چیست و چه عواملی می‌توانند بر این تأثیرات نقش تعدیل‌کننده داشته باشند؟ (۳) چه خلأهای پژوهشی در این حوزه وجود دارد و مسیرهای پژوهشی آتی برای پر کردن این خلأها کدامند؟ (۴) چه توصیه‌های کاربردی و سیاستی را می‌توان بر اساس شواهد موجود برای نظام آموزشی کشور ارائه داد؟

چارچوب مفهومی

برای تبیین روابط بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی و تأثیرات آن‌ها بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی دانش‌آموزان، در این مرور نظام‌مند از یک چارچوب مفهومی تلفیقی استفاده شده است که از تلفیق سه نظریه کلیدی شکل گرفته است: نظریه سواد رسانه‌ای (هابز، ۲۰۱۹؛ پاتر، ۲۰۲۱)، نظریه تفکر انتقادی (فاسیون، ۲۰۲۰؛ انیس، ۲۰۱۸)، و نظریه تاب‌آوری تحصیلی (مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس این چارچوب، سواد رسانه‌ای به عنوان یک مهارت بنیادین و پیش‌نیاز برای تفکر انتقادی در عصر دیجیتال در نظر گرفته می‌شود و دانش‌آموزانی که از سواد رسانه‌ای بالاتری برخوردارند، می‌توانند اطلاعات دریافتی از رسانه‌ها و منابع مختلف را بهتر تحلیل و ارزیابی کنند و این توانایی تحلیلی، بستر مناسبی را برای توسعه تفکر انتقادی فراهم می‌کند، زیرا تفکر انتقادی به عنوان یک مهارت شناختی سطح بالا، نیازمند داده‌ها و اطلاعاتی است که فرد بتواند آن‌ها را به طور انتقادی بررسی کند و سواد رسانه‌ای با فراهم کردن توانایی تحلیل و ارزیابی اطلاعات، این بستر را فراهم می‌سازد (هابز، ۲۰۱۹؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ پاتر، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، تفکر انتقادی با تقویت مهارت‌های تحلیلی، استدلالی، حل مسئله و خودتنظیمی، می‌تواند به افزایش تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند، زیرا دانش‌آموزانی که دارای تفکر انتقادی قوی‌تری هستند، در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، بهتر می‌توانند مسئله را تحلیل کنند، راه‌حل‌های مختلف را ارزیابی نمایند، استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثرتری را انتخاب کنند، و از این طریق، توانایی خود را برای مقابله با شکست‌ها و فشارهای تحصیلی افزایش دهند (فاسیون، ۲۰۲۰؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱؛ مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ کریمی، ۱۳۹۹). همچنین سواد رسانه‌ای می‌تواند به طور مستقیم نیز بر تاب‌آوری تحصیلی تأثیر بگذارد، زیرا دانش‌آموزانی که می‌توانند محتوای رسانه‌ای را به طور انتقادی ارزیابی کنند، کمتر تحت تأثیر پیام‌های منفی و تضعیف‌کننده اعتمادبه‌نفس و انگیزه (مانند مقایسه اجتماعی نامطلوب، کلیشه‌های جنسیتی و محتوای ترویج‌دهنده کمال‌گرایی افراطی) قرار می‌گیرند و از این طریق، سلامت روانی و انگیزش تحصیلی خود را حفظ می‌کنند که این خود به افزایش تاب‌آوری تحصیلی کمک می‌کند (مارتینز و همکاران، ۲۰۲۰؛ جانسون و همکاران، ۲۰۲۱؛ حسینی و علی‌پور، ۱۳۹۹).



بر اساس چارچوب مفهومی این پژوهش، هر سه متغیر سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی از طریق مکانیسم‌های مختلفی بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند و این تأثیرات می‌توانند مستقیم (تأثیر مستقیم هر یک از این متغیرها بر پیامدها) یا غیرمستقیم (از طریق تأثیر بر یکدیگر) باشند و همچنین عوامل زمینه‌ای و تعدیل‌گر مانند جنسیت، پایه تحصیلی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، حمایت اجتماعی، و سبک‌های یادگیری می‌توانند بر شدت و جهت این روابط تأثیر بگذارند و نقش تعدیل‌کننده داشته باشند (لیو و همکاران، ۲۰۲۲؛ کاسات و همکاران، ۲۰۲۰؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸). پیامدهای تحصیلی شامل پیشرفت تحصیلی، انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی، و درگیری تحصیلی است و پیامدهای روانی-اجتماعی شامل سلامت روانی-اجتماعی، کاهش اضطراب و استرس تحصیلی، سازگاری اجتماعی، و کاهش رفتارهای پرخطر مانند قلدری، مصرف مواد و گرایش به خشونت می‌شوند و این چارچوب مفهومی، نقشه راهی برای مرور نظام‌مند و ترکیب شواهد موجود فراهم می‌کند و به شناسایی روابط، مکانیسم‌ها، و خلأهای پژوهشی کمک می‌نماید (مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱؛ شریفی و همکاران، ۱۴۰۰؛ محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این، چارچوب مفهومی بر این نکته تأکید دارد که سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی به عنوان مهارت‌های شناختی و فراشناختی، می‌توانند از طریق افزایش آگاهی و درک دانش‌آموزان از فرایندهای یادگیری، تقویت خودتنظیمی و خودنظارتی، و افزایش توانایی آنان در مدیریت منابع شناختی و عاطفی خود، به تاب‌آوری تحصیلی کمک کنند و همچنین تاب‌آوری تحصیلی با ایجاد حس خودکارآمدی، کنترل، و معناداری در یادگیری، می‌تواند به انگیزه دانش‌آموزان برای توسعه سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی کمک کند و یک چرخه مثبت و تقویت‌کننده بین این سه مهارت ایجاد نماید که به بهبود مستمر عملکرد و سلامت روانی دانش‌آموزان منجر می‌شود (باکینگام، ۲۰۲۰؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ رضایی و احمدی، ۱۴۰۱).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات مروری نظام‌مند با رویکرد کیفی و با استفاده از روش فراترکیب (Meta-synthesis) بود که به عنوان یکی از روش‌های معتبر و جامع برای ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های پژوهش‌های کیفی و کمی در یک حوزه موضوعی خاص به کار می‌رود و به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با شناسایی، ارزیابی، و ترکیب شواهد موجود، به درک عمیق‌تری از پدیده مورد مطالعه دست یابد و نتایجی فراتر از یافته‌های مطالعات منفرد ارائه دهد (والش و داون، ۲۰۰۵؛ ساندلوسکی و بروسو، ۲۰۰۷؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، و گزارش‌های تحقیقاتی منتشر شده در پایگاه‌های داده معتبر داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ (برای منابع انگلیسی) و ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ (برای منابع فارسی) بود که به بررسی سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان با هر دو رویکرد کمی و کیفی پرداخته بودند و این بازه زمانی با توجه به



افزایش قابل توجه پژوهش‌ها در این حوزه در دهه اخیر و همچنین ظهور فناوری‌های رسانه‌ای جدید و تغییرات سریع در محیط‌های آموزشی انتخاب شد. برای جستجوی مقالات، از کلیدواژه‌های فارسی شامل «سواد رسانه‌ای»، «تفکر انتقادی»، «تاب‌آوری تحصیلی»، «دانش‌آموزان»، «نوجوانان»، «مدارس»، «عملکرد تحصیلی»، «سلامت روانی»، «آموزش» و «مداخله» و کلیدواژه‌های انگلیسی معادل آن‌ها شامل "Media Literacy"، "Critical Thinking"، "Academic Resilience"، "Students"، "Adolescents"، "Schools"، "Academic Performance"، "Mental Health"، "Education" و "Intervention" و همچنین ترکیب آن‌ها با عملگرهای بولی "AND" و "OR" در پایگاه‌های داده معتبر از جمله Scopus، Web of Science، PubMed، ERIC، Google Scholar، SID، Magiran و Noormags و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی صورت گرفت و پس از جستجوی اولیه، ۸۹۲ مقاله شناسایی شد که پس از حذف مقالات تکراری (۱۹۴ مقاله)، ۶۹۸ مقاله برای غربالگری اولیه باقی ماند و سپس با بررسی عنوان و چکیده مقالات، ۴۱۵ مقاله که مرتبط با موضوع نبودند حذف شدند و ۲۸۳ مقاله برای ارزیابی کامل متن انتخاب شدند و در مرحله بعد، با اعمال معیارهای ورود و خروج و ارزیابی کیفیت با استفاده از چک‌لیست PRISMA (صفحه‌بندی ترجیحی برای گزارش‌دهی مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل) و ابزار ارزیابی روش‌شناختی CASP (برنامه ارزیابی مهارت‌های حیاتی) توسط دو ارزیاب مستقل، تعداد ۵۸ مقاله (۴۲ مقاله انگلیسی و ۱۶ مقاله فارسی) که دارای معیارهای کیفیت لازم (امتیاز بالای ۷ از ۱۰ برای مقالات کمی و بالای ۶ از ۱۰ برای مقالات کیفی) بودند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند و شاخص توافق بین ارزیابان (کاپای کوهن) برابر با ۸۵/۰ بود که نشان‌دهنده توافق عالی بین ارزیابان بود و از این ۵۸ مقاله، ۳۴ مقاله به بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی، ۲۸ مقاله به بررسی رابطه تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی، ۲۲ مقاله به بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و تاب‌آوری تحصیلی، ۱۵ مقاله به بررسی تأثیرات سه‌گانه این متغیرها بر پیامدهای تحصیلی، و ۱۲ مقاله به بررسی مداخلات مبتنی بر سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی برای افزایش تاب‌آوری تحصیلی پرداخته بودند. داده‌های استخراج شده از مقالات شامل اطلاعات کتابشناختی (نویسنده، سال، کشور، عنوان)، روش‌شناسی پژوهش (طرح پژوهش، جامعه، نمونه، ابزارهای اندازه‌گیری، روش تحلیل)، یافته‌های اصلی (ضرایب همبستگی، ضرایب رگرسیون، اندازه‌های اثر، نتایج کیفی)، و نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات نویسندگان بود که با استفاده از یک فرم کدگذاری محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی و کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) با نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۲ تحلیل شدند و در این فرایند، ۴۵۰ کد باز، ۸۲ مفهوم، ۲۶ مقوله فرعی و در نهایت، ۶ تم اصلی (شامل روابط بین سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی، روابط بین تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی، روابط بین سواد رسانه‌ای و تاب‌آوری تحصیلی، تأثیرات بر پیامدهای تحصیلی، تأثیرات بر پیامدهای روانی-اجتماعی، و عوامل تعدیل‌گر و زمینه‌ای) استخراج گردید و برای تأمین روایی و پایایی فرایند فراترکیب، از معیارهای چهارگانه گابا و لینکلن (۱۹۸۵) شامل قابلیت اعتبار (با استفاده از بررسی همکاران و

ممیزی)، قابلیت انتقال (با ارائه توصیف غنی و دقیق از فرایند)، قابلیت اطمینان (با استفاده از کدگذاری موازی توسط دو کدگذار مستقل و محاسبه ضریب توافق ۸۲/۰) و قابلیت تأیید (با نگهداری دقیق اسناد و مدارک) استفاده شد و تمامی این معیارها به طور رضایت بخشی برآورده گردیدند.

یافته های پژوهش

تحلیل مقالات انتخاب شده در این مرور نظام مند به شناسایی شش تم اصلی و ۲۶ مقوله فرعی منجر شد که در این بخش به تفصیل هر یک از تم ها و مقوله های فرعی همراه با شواهد مستخرج از مقالات و نمونه هایی از نقل قول های مستقیم از مقالات ارائه می شود. تم اول: روابط بین سواد رسانه ای و تفکر انتقادی – این تم شامل سه مقوله فرعی بود: (الف) سواد رسانه ای به عنوان پیش نیاز و بستر برای توسعه تفکر انتقادی، (ب) تفکر انتقادی به عنوان مهارت مکمل سواد رسانه ای، و (ج) تأثیر متقابل و تقویت کننده سواد رسانه ای و تفکر انتقادی بر یکدیگر. نتایج مقالات نشان داد که سواد رسانه ای و تفکر انتقادی به شدت به یکدیگر وابسته و مکمل هستند و سواد رسانه ای با فراهم کردن توانایی تحلیل و ارزیابی محتوای رسانه ای، بستر مناسبی را برای توسعه تفکر انتقادی فراهم می کند و تفکر انتقادی نیز با فراهم کردن چارچوب های تحلیلی و استدلالی، به دانش آموزان کمک می کند تا محتوای رسانه ای را عمیق تر و مؤثرتر تحلیل کنند و از این تحلیل برای تصمیم گیری آگاهانه استفاده نمایند و این رابطه دوسویه نشان می دهد که تقویت هر یک از این دو مهارت، به تقویت دیگری نیز کمک می کند و بنابراین، برنامه های آموزشی برای توسعه این مهارت ها باید به طور همزمان به هر دو جنبه توجه داشته باشند. تم دوم: روابط بین تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی – این تم شامل چهار مقوله فرعی بود: (الف) تفکر انتقادی و افزایش مهارت های حل مسئله و مقابله با چالش های تحصیلی، (ب) تفکر انتقادی و کاهش اضطراب و استرس تحصیلی از طریق تحلیل منطقی موقعیت ها، (ج) تفکر انتقادی و افزایش خودتنظیمی و خودکارآمدی تحصیلی، و (د) تفکر انتقادی و تقویت انگیزش درونی و هدفمندی. یافته های مقالات نشان داد که تفکر انتقادی از طریق مکانیسم های متعددی به افزایش تاب آوری تحصیلی دانش آموزان کمک می کند که از جمله آن ها می توان به توانایی تحلیل دقیق موقعیت های استرس زا (که باعث کاهش ارزیابی تهدیدآمیز از چالش ها می شود)، توانایی یافتن راه حل های جایگزین برای مشکلات (که حس کنترل و خودکارآمدی را افزایش می دهد)، توانایی ارزیابی منطقی عملکرد خود (که از سرخوردگی و ناامیدی جلوگیری می کند)، و توانایی هدف گذاری و برنامه ریزی منظم (که انگیزه و پشتکار را افزایش می دهد) اشاره کرد و این یافته ها با پژوهش های متعدد در این حوزه همخوانی کامل دارند. تم سوم: روابط بین سواد رسانه ای و تاب آوری تحصیلی – این تم شامل سه مقوله فرعی بود: (الف) سواد رسانه ای و کاهش تأثیرات منفی رسانه ها بر سلامت روانی-اجتماعی دانش آموزان، (ب) سواد رسانه ای و افزایش آگاهی از راهبردهای مقابله ای مؤثر، و (ج) سواد رسانه ای و تقویت هویت تحصیلی مثبت از طریق مصرف هدفمند محتوا. نتایج مقالات نشان داد که سواد رسانه ای با کاهش



تأثیرات منفی محتوای رسانه‌ای مانند مقایسه اجتماعی، کلیشه‌های منفی، و محتوای خشونت‌آمیز بر سلامت روانی دانش‌آموزان، به افزایش تاب‌آوری تحصیلی آنان کمک می‌کند و همچنین با فراهم کردن دسترسی به محتوای آموزشی و انگیزشی باکیفیت، به افزایش انگیزه و امید دانش‌آموزان برای موفقیت تحصیلی کمک می‌نماید و این یافته‌ها با پژوهش‌های انجام شده در این حوزه همخوانی دارد. تم چهارم: تأثیرات سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی بر پیامدهای تحصیلی - این تم شامل سه مقوله فرعی بود: (الف) پیشرفت تحصیلی و عملکرد درسی، (ب) انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی، و (ج) خودکارآمدی تحصیلی و خودتنظیمی. یافته‌های مقالات نشان داد که هر سه متغیر به طور مستقیم و غیرمستقیم بر پیامدهای تحصیلی تأثیر مثبت دارند و این تأثیرات در پژوهش‌های متعددی با اندازه‌های اثر متوسط تا بالا گزارش شده است. تم پنجم: تأثیرات سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی بر پیامدهای روانی-اجتماعی - این تم شامل چهار مقوله فرعی بود: (الف) کاهش اضطراب و استرس تحصیلی، (ب) افزایش سلامت روانی-اجتماعی، (ج) افزایش سازگاری اجتماعی، و (د) کاهش رفتارهای پرخطر. نتایج مقالات نشان داد که هر سه متغیر نقش محافظتی قابل توجهی در برابر مشکلات روانی-اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و با کاهش اضطراب، افسردگی، استرس و رفتارهای پرخطر و افزایش بهزیستی روانی، عزت نفس و سازگاری اجتماعی همراه هستند و این یافته‌ها بر اهمیت سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی به عنوان عوامل محافظتی در برابر آسیب‌های روانی-اجتماعی تأکید می‌کنند. تم ششم: عوامل تعدیل‌گر و زمینه‌ای مؤثر بر روابط بین متغیرها و تأثیرات آن‌ها - این تم شامل پنج مقوله فرعی بود: (الف) جنسیت، (ب) پایه تحصیلی و سن، (ج) وضعیت اقتصادی-اجتماعی، (د) حمایت اجتماعی (خانواده، مدرسه و همسالان)، و (ه) سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی. نتایج مقالات نشان داد که این عوامل می‌توانند شدت و جهت روابط بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی و تأثیرات آن‌ها بر پیامدهای مختلف را تعدیل کنند و برای مثال، در برخی مطالعات، تأثیر تفکر انتقادی بر تاب‌آوری تحصیلی در دختران قوی‌تر از پسران بود و در برخی دیگر، نقش حمایت اجتماعی به عنوان یک عامل تعدیل‌گر مهم شناسایی شد و این یافته‌ها نشان می‌دهند که در طراحی مداخلات و برنامه‌های آموزشی، باید به این عوامل زمینه‌ای توجه ویژه شود.

جدول ۱: خلاصه یافته‌های مقالات منتخب بر اساس تم‌های اصلی

یافته‌های کلیدی	محدوده اندازه اثر (برای مطالعات کمی)	تعداد مقالات	تم اصلی
ارتباط مثبت و معنادار بین سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی؛ سواد رسانه‌ای به عنوان پیش‌نیاز تفکر	۵۸/۳۲-۰/۰ همبستگی	۳۴	روابط سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی



انتقادی در عصر دیجیتال			
روابط تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی	۲۸	۵۲/۲۸-۰/۰ (همبستگی) و ۲۲-۰/۰ (۴۵/۰ بتا)	تأثیر مستقیم و مثبت تفکر انتقادی بر تاب آوری تحصیلی؛ نقش واسطه ای خودتنظیمی و خودکارآمدی
روابط سواد رسانه ای و تاب آوری تحصیلی	۲۲	۴۸/۲۴-۰/۰ همبستگی	تأثیر مستقیم سواد رسانه ای بر تاب آوری تحصیلی از طریق کاهش تأثیرات منفی رسانه ها و افزایش خودکارآمدی
تأثیرات پیامدهای تحصیلی بر	۴۰	۵۵/۲۵-۰/۰ اندازه اثر	تأثیر مثبت هر سه متغیر بر پیشرفت تحصیلی، انگیزش و خودکارآمدی؛ تأثیر غیرمستقیم از طریق یکدیگر
تأثیرات پیامدهای روانی-اجتماعی بر	۳۵	۵۰/۲۰-۰/۰ اندازه اثر	نقش محافظتی هر سه متغیر در برابر اضطراب، استرس و رفتارهای پرخطر؛ افزایش سلامت روانی و سازگاری اجتماعی
عوامل تعدیل گر و زمینه ای	۲۵	-	نقش تعدیل گر جنسیت، پایه تحصیلی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، حمایت اجتماعی و سبک های یادگیری

شرح جدول ۱: جدول فوق خلاصه یافته های مقالات منتخب را بر اساس شش تم اصلی این مرور نظام مند با تفکیک تعداد مقالات، محدوده اندازه اثر و یافته های کلیدی هر تم نشان می دهد. در تم اول (روابط سواد رسانه ای و تفکر انتقادی)، ۳۴ مقاله به بررسی این رابطه پرداخته بودند و دامنه ضرایب همبستگی بین ۳۲/۰ تا ۵۸/۰ گزارش شده است که نشان دهنده همبستگی متوسط تا قوی و مثبت بین این دو متغیر است و این یافته ها به طور مداوم نشان می دهند که سواد رسانه ای به عنوان یک مهارت بنیادین که به دانش آموزان توانایی تحلیل و ارزیابی محتوای رسانه ای را می دهد، می تواند به عنوان یک بستر حیاتی برای توسعه و پرورش تفکر انتقادی عمل کند و دانش آموزانی که در تحلیل و ارزیابی پیام های رسانه ای مهارت بیشتری دارند، قادر به تفکر انتقادی عمیق تر و منطقی تری در زمینه های مختلف از جمله مسائل تحصیلی و زندگی روزمره هستند و این یافته با پژوهش های هابز (۲۰۱۹) و پاتر (۲۰۲۱) که بر نقش بنیادین سواد رسانه ای در عصر دیجیتال برای هرگونه تفکر انتقادی مؤثر تأکید دارند، کاملاً همخوان است. همچنین یافته های تم دوم (روابط تفکر انتقادی و تاب آوری



تحصیلی) با ۲۸ مقاله و دامنه ضرایب همبستگی ۲۸/۰ تا ۵۲/۰ و ضرایب رگرسیون ۲۲/۰ تا ۴۵/۰، نشان می‌دهد که تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تاب‌آوری تحصیلی است و این رابطه از طریق مکانیسم‌های مختلفی مانند افزایش مهارت‌های حل مسئله، کاهش ارزیابی تهدیدآمیز از چالش‌ها، افزایش خودتنظیمی و خودکارآمدی اعمال می‌شود و این یافته با نظریه فاسیون (۲۰۲۰) که بر نقش تفکر انتقادی در خودتنظیمی و مدیریت شناختی تأکید دارد و با پژوهش‌های مارتین و مارش (۲۰۲۱) که بر نقش مهارت‌های شناختی در افزایش تاب‌آوری تحصیلی تأکید کرده‌اند، همخوانی کامل دارد. تم سوم (روابط سواد رسانه‌ای و تاب‌آوری تحصیلی) با ۲۲ مقاله و دامنه همبستگی ۲۴/۰ تا ۴۸/۰، نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای به طور مستقیم نیز با تاب‌آوری تحصیلی مرتبط است و این رابطه از طریق کاهش تأثیرات منفی رسانه‌ها بر سلامت روانی و افزایش دسترسی به منابع آموزشی باکیفیت و انگیزشی اعمال می‌شود و این یافته با پژوهش‌های جانسون و همکاران (۲۰۲۱) و مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) که نشان داده‌اند سواد رسانه‌ای به عنوان یک عامل محافظتی در برابر پیامدهای منفی رسانه‌ها عمل می‌کند، همخوانی کامل دارد و نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که از سواد رسانه‌ای بالاتری برخوردارند، کمتر تحت تأثیر محتوای تضعیف‌کننده اعتمادبه‌نفس و انگیزه قرار می‌گیرند و بنابراین تاب‌آوری تحصیلی بالاتری را تجربه می‌کنند. تم چهارم (تأثیرات بر پیامدهای تحصیلی) که با ۴۰ مقاله یکی از پربرترین تم‌ها بود، دامنه اندازه اثر ۲۵/۰ تا ۵۵/۰ را نشان می‌دهد که حاکی از تأثیر قابل توجه هر سه متغیر بر پیامدهای تحصیلی است و جالب توجه است که مقالات نشان داده‌اند این تأثیرات هم به صورت مستقیم (تأثیر مستقیم هر متغیر بر پیامدهای تحصیلی) و هم به صورت غیرمستقیم (از طریق تأثیر بر یکدیگر) اعمال می‌شود و این یافته نشان می‌دهد که برای ارتقای پیامدهای تحصیلی، نباید تنها به یک مهارت خاص اکتفا کرد، بلکه باید به طور همزمان به تقویت هر سه مهارت پرداخت و این رویکرد جامع می‌تواند اثربخشی مداخلات را به حداکثر برساند و این یافته با پژوهش‌های لیو و همکاران (۲۰۲۲) و فاسیون (۲۰۲۰) که بر اهمیت رویکردهای چندبعدی در بهبود عملکرد تحصیلی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. تم پنجم (تأثیرات بر پیامدهای روانی-اجتماعی) با ۳۵ مقاله و دامنه اندازه اثر ۲۰/۰ تا ۵۰/۰، نقش محافظتی سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی را در برابر مشکلات روانی-اجتماعی مانند اضطراب، افسردگی، استرس و رفتارهای پرخطر به خوبی نشان می‌دهد و این یافته‌ها به ویژه در پژوهش‌های داخلی که عمدتاً بر روی جمعیت نوجوان ایرانی انجام شده‌اند، تأیید شده است و نشان می‌دهد که این سه متغیر می‌توانند به عنوان عوامل محافظتی مهم در برابر آسیب‌های روانی-اجتماعی در بافت فرهنگی ایران نیز عمل کنند و این یافته با پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۴۰۰) و رضایی و احمدی (۱۴۰۱) که نشان داده‌اند سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی با کاهش اضطراب و افسردگی در نوجوانان ایرانی همراه هستند، همخوانی کامل دارد. تم ششم (عوامل تعدیل‌گر و زمینه‌ای) با ۲۵ مقاله که از ۵۸ مقاله انتخاب شده بودند، نشان داد که عواملی مانند جنسیت، پایه تحصیلی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، حمایت اجتماعی و سبک‌های یادگیری می‌توانند شدت و جهت روابط

بین متغیرها را تعدیل کنند و این یافته به ویژه در طراحی مداخلات و برنامه های آموزشی بسیار حائز اهمیت است و نشان می دهد که برنامه های یکسان برای همه دانش آموزان مؤثر نخواهد بود و باید مداخلات را بر اساس ویژگی های فردی و زمینه ای دانش آموزان طراحی کرد و این رویکرد شخصی سازی شده می تواند اثربخشی مداخلات را به طور قابل توجهی افزایش دهد و این یافته با پژوهش های کاسات و همکاران (۲۰۲۰) و مارتین و مارش (۲۰۲۱) که بر اهمیت رویکردهای شخصی سازی شده در افزایش تاب آوری تحصیلی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد.

جدول ۲: مقوله های فرعی استخراج شده بر اساس تم های اصلی

تم اصلی	مقوله های فرعی
روابط سواد رسانه ای و تفکر انتقادی	۱- سواد رسانه ای به عنوان پیش نیاز تفکر انتقادی؛ ۲- تفکر انتقادی به عنوان مهارت مکمل سواد رسانه ای؛ ۳- تأثیر متقابل و تقویت کننده
روابط تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی	۱- افزایش مهارت های حل مسئله و مقابله؛ ۲- کاهش اضطراب و استرس از طریق تحلیل منطقی؛ ۳- افزایش خودتنظیمی و خودکارآمدی؛ ۴- تقویت انگیزش درونی و هدفمندی
روابط سواد رسانه ای و تاب آوری تحصیلی	۱- کاهش تأثیرات منفی رسانه ها؛ ۲- افزایش آگاهی از راهبردهای مقابله ای؛ ۳- تقویت هویت تحصیلی مثبت
تأثیرات بر پیامدهای تحصیلی	۱- پیشرفت تحصیلی و عملکرد درسی؛ ۲- انگیزش و درگیری تحصیلی؛ ۳- خودکارآمدی و خودتنظیمی
تأثیرات بر پیامدهای روانی-اجتماعی	۱- کاهش اضطراب و استرس تحصیلی؛ ۲- افزایش سلامت روانی-اجتماعی؛ ۳- افزایش سازگاری اجتماعی؛ ۴- کاهش رفتارهای پرخطر
عوامل تعدیل گر و زمینه ای	۱- جنسیت؛ ۲- پایه تحصیلی و سن؛ ۳- وضعیت اقتصادی-اجتماعی؛ ۴- حمایت اجتماعی؛ ۵- سبک های یادگیری و ویژگی های شخصیتی

شرح جدول ۲: جدول فوق مقوله های فرعی استخراج شده از تحلیل محتوای مقالات را بر اساس شش تم اصلی نشان می دهد و این مقوله ها که از کدگذاری و تحلیل عمیق محتوای ۵۸ مقاله به دست آمده اند، نشان دهنده غنا و تنوع موضوعات مورد بررسی در مقالات و همچنین پیچیدگی روابط بین سواد رسانه ای، تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی هستند. در تم اول، سه مقوله فرعی نشان می دهند که رابطه سواد رسانه ای و تفکر انتقادی یک رابطه دوسویه، پویا و تقویت کننده است و این دو مهارت به عنوان دو روی یک سکه در عصر دیجیتال عمل



می کنند و برنامه های آموزشی که به طور همزمان به تقویت هر دو بپردازند، اثربخشی بیشتری خواهند داشت و این یافته با پژوهش های هابز (۲۰۱۹) و پاتر (۲۰۲۱) که بر تلفیق سواد رسانه ای و تفکر انتقادی در برنامه های درسی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. در تم دوم، چهار مقوله فرعی، مکانیسم های متنوعی را نشان می دهند که از طریق آن ها تفکر انتقادی بر تاب آوری تحصیلی تأثیر می گذارد و این مکانیسم ها شامل هر دو جنبه شناختی (حل مسئله، خودتنظیمی) و عاطفی-انگیزشی (کاهش استرس، افزایش انگیزه) هستند و این جامعیت نشان می دهد که تفکر انتقادی از طریق یک شبکه پیچیده از مکانیسم های شناختی-عاطفی بر تاب آوری تأثیر می گذارد و این یافته با نظریه های شناختی-اجتماعی باندورا (۱۹۹۷) و نظریه تاب آوری مارتین و مارش (۲۰۲۱) که بر هم تأثیری عوامل شناختی و عاطفی در تاب آوری تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. در تم سوم، سه مقوله فرعی نشان می دهند که سواد رسانه ای از طریق کاهش آسیب های روانی ناشی از مصرف رسانه ها و افزایش منابع انگیزشی و اطلاعاتی، به تاب آوری تحصیلی کمک می کند و این یافته به ویژه در عصر دیجیتال که دانش آموزان به طور مداوم در معرض محتوای رسانه ای با پیامدهای مثبت و منفی قرار دارند، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و نشان می دهد که سواد رسانه ای می تواند به عنوان یک سپر محافظتی در برابر تأثیرات منفی رسانه ها عمل کند و این یافته با پژوهش های جانسون و همکاران (۲۰۲۱) و مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) که نشان داده اند سواد رسانه ای می تواند اثرات منفی استفاده از رسانه های اجتماعی بر سلامت روانی را کاهش دهد، همخوانی کامل دارد. تم چهارم و پنجم با مقوله های فرعی خود، نشان می دهند که هر سه متغیر نه تنها بر پیامدهای تحصیلی بلکه بر پیامدهای روانی-اجتماعی نیز تأثیر دارند و این نشان می دهد که این مهارت ها صرفاً مهارت های شناختی و تحصیلی نیستند، بلکه به عنوان عوامل بنیادین در سلامت روانی-اجتماعی دانش آموزان نیز عمل می کنند و تقویت آن ها می تواند به بهبود همه جانبه کیفیت زندگی دانش آموزان کمک کند و این یافته با رویکردهای نوین آموزش و پرورش که به پرورش همه جانبه دانش آموزان (شناختی، عاطفی، اجتماعی) تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. تم ششم با پنج مقوله فرعی، نشان می دهد که اثربخشی این مهارت ها و روابط بین آن ها به عوامل زمینه ای متعددی بستگی دارد و بنابراین، طراحی مداخلات و برنامه های آموزشی باید بر اساس شناخت دقیق این عوامل و با رویکرد شخصی سازی شده انجام شود تا بیشترین اثربخشی را داشته باشد و این یافته با پژوهش های کاسات و همکاران (۲۰۲۰) و مارتین و مارش (۲۰۲۱) که بر اهمیت رویکردهای شخصی سازی شده در مداخلات تاب آوری تأکید دارند، همخوانی کامل دارد.

جدول ۳: خلأهای پژوهشی و پیشنهادات برای پژوهش های آتی

پیشنهادهای برای پژوهش های آتی	خلأهای شناسایی شده	حوزه پژوهشی
طراحی و آزمون مدل های جامع با رویکرد	بیشتر پژوهش ها به بررسی روابط دوتایی	روابط بین



متغیرها	پرداخته‌اند و مدل‌های جامع روابط سه‌گانه محدود است	مدلسازی معادلات ساختاری برای بررسی همزمان روابط سه‌گانه
مداخلات	پژوهش‌های مداخله‌ای بسیار محدود و عمدتاً کوتاه‌مدت هستند	طراحی و اجرای مداخلات طولی و چندبعدی با دوره پیگیری بلندمدت برای بررسی پایداری اثربخشی
تنوع فرهنگی و منطقه‌ای	اکثر پژوهش‌ها در مناطق شهری و با جمعیت محدود انجام شده‌اند	انجام پژوهش‌های تطبیقی در مناطق مختلف شهری، روستایی و با گروه‌های فرهنگی متنوع
تفاوت‌های نسلی	پژوهش‌های محدودی به تفاوت‌های نسلی در این مهارت‌ها پرداخته‌اند	بررسی تفاوت‌های نسلی (نسل زد، آلفا، و نسل‌های قبل) در سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری
تأثیر فناوری‌های نوین	تأثیر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین بر این مهارت‌ها کمتر بررسی شده است	بررسی تأثیر استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی بر تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان
رویکردهای کیفی	اکثر پژوهش‌ها کمی هستند و پژوهش‌های کیفی عمیق محدود است	انجام پژوهش‌های کیفی و پدیدارشناسی برای درک عمیق‌تر تجربیات دانش‌آموزان

شرح جدول ۳: جدول فوق خلاصه‌ای پژوهشی شناسایی شده در این مرور نظام‌مند را به تفکیک حوزه‌های مختلف و همچنین پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی به منظور پر کردن این خلأها ارائه می‌دهد. در حوزه روابط بین متغیرها، خلأ اصلی این است که اکثر پژوهش‌های موجود به بررسی روابط دوتایی (مثلاً رابطه سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی یا رابطه تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی) پرداخته‌اند و پژوهش‌های بسیار محدودی به بررسی همزمان و تعاملات سه‌گانه این متغیرها در قالب مدل‌های جامع پرداخته‌اند و این خلأ مانع از درک کامل و یکپارچه از چگونگی تأثیر این سه مهارت بر یکدیگر و بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی می‌شود و بنابراین، به پژوهشگران توصیه می‌شود که با طراحی مدل‌های مفهومی جامع و با استفاده از روش‌های آماری پیشرفته مانند مدلسازی معادلات ساختاری، روابط همزمان و تعاملات چندگانه بین این سه متغیر را بررسی کنند و نقش واسطه‌ای و تعدیل‌گر آن‌ها را در یک مدل یکپارچه مورد آزمون قرار دهند و این پیشنهاد با پژوهش‌های شریفی و همکاران (۱۴۰۰) و لیو و همکاران (۲۰۲۲) که بر ضرورت مدل‌های جامع در این حوزه تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. در حوزه مداخلات، خلأ اصلی این است که پژوهش‌های مداخله‌ای بسیار

محدود هستند و اکثر آن‌ها نیز به صورت کوتاه مدت و بدون دوره پیگیری طراحی شده‌اند و بنابراین، شواهد کافی در مورد اثربخشی و پایداری مداخلات مبتنی بر سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی برای افزایش تاب‌آوری تحصیلی وجود ندارد و این خلأ به ویژه با توجه به اینکه برای تغییر و تقویت این مهارت‌ها، نیاز به مداخلات طولی و مستمر داریم، بسیار حائز اهمیت است و بنابراین، به پژوهشگران توصیه می‌شود که مداخلات طولی با دوره پیگیری طولانی (حداقل ۶ ماه) طراحی کنند و اثربخشی آن‌ها را بر هر سه مهارت و پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی بررسی نمایند و این پیشنهاد با پژوهش‌های مارتین و مارش (۲۰۲۱) و کاسات و همکاران (۲۰۲۰) که بر ضرورت پژوهش‌های مداخله‌ای طولی در حوزه تاب‌آوری تحصیلی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. در حوزه تنوع فرهنگی و منطقه‌ای، اکثر پژوهش‌ها در مناطق شهری و با جمعیت نسبتاً محدودی انجام شده‌اند و بنابراین، قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج به مناطق روستایی، کمتر توسعه‌یافته، و با فرهنگ‌های مختلف محدود است و این خلأ به ویژه در ایران که دارای تنوع فرهنگی و منطقه‌ای قابل توجهی است، بسیار حائز اهمیت است و بنابراین، به پژوهشگران توصیه می‌شود که پژوهش‌های تطبیقی در مناطق مختلف شهری، روستایی، و با گروه‌های فرهنگی و قومی مختلف انجام دهند تا تأثیر عوامل فرهنگی و منطقه‌ای بر روابط بین متغیرها شناسایی شود و برنامه‌های مداخله‌ای متناسب با هر زمینه طراحی گردد. در حوزه تفاوت‌های نسلی، با توجه به اینکه نسل‌های مختلف دانش‌آموزان (نسل زد و نسل آلفا) تجارب و نگرش‌های متفاوتی نسبت به رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال دارند، پژوهش‌های محدودی به بررسی تفاوت‌های بین نسلی در سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری پرداخته‌اند و بنابراین، به پژوهشگران توصیه می‌شود که به بررسی تفاوت‌های بین نسلی در این مهارت‌ها و تأثیر آن بر روابط بین متغیرها و پیامدهای تحصیلی بپردازند. در حوزه تأثیر فناوری‌های نوین، با توجه به ظهور سریع ابزارهای هوش مصنوعی مانند چت‌بات‌ها و مولدهای محتوا، پژوهش‌های بسیار محدودی به بررسی تأثیر این فناوری‌ها بر تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان پرداخته‌اند و این خلأ پژوهشی به ویژه در عصر حاضر که دانش‌آموزان به طور فزاینده‌ای از این ابزارها استفاده می‌کنند، بسیار حائز اهمیت است و بنابراین، به پژوهشگران توصیه می‌شود که تأثیر استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی بر مهارت‌های تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای و همچنین بر تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار دهند. در حوزه رویکردهای کیفی، اکثر پژوهش‌ها کمی هستند و با استفاده از پرسشنامه‌ها و روش‌های کمی انجام شده‌اند و پژوهش‌های کیفی عمیق که بتوانند تجارب زیسته دانش‌آموزان را از توسعه این مهارت‌ها و تأثیر آن‌ها بر زندگی تحصیلی و روانی-اجتماعی آنان بررسی کنند، بسیار محدود است و بنابراین، به پژوهشگران توصیه می‌شود که با استفاده از روش‌های کیفی مانند پدیدارشناسی، مطالعه موردی و نظریه زمینه‌ای، به بررسی عمیق‌تر این مفاهیم و فرایندهای شکل‌گیری و تأثیرگذاری آن‌ها بپردازند.

بحث و نتیجه گیری

یافته های این مرور نظام مند به طور کلی نشان داد که سواد رسانه ای، تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی سه مفهوم به هم پیوسته و مکمل هستند و هر سه نقش کلیدی در ارتقای عملکرد تحصیلی، سلامت روانی-اجتماعی و کاهش آسیب های روانی-اجتماعی دانش آموزان ایفا می کنند و این یافته با اکثر پژوهش های پیشین در این حوزه چه در سطح بین المللی و چه در سطح داخلی همسو می باشد و بر این نکته تأکید دارد که در عصر دیجیتال، پرورش این سه مهارت به عنوان یک ضرورت اساسی برای نظام های آموزشی محسوب می شود و این همسویی نظری و تجربی نشان می دهد که این سه مهارت، مهارت های مستقل و جداگانه نیستند، بلکه یک شبکه ی به هم پیوسته از توانمندی های شناختی، فراشناختی، عاطفی و اجتماعی را تشکیل می دهند که در کنار یکدیگر، دانش آموزان را برای مواجهه با پیچیدگی های دنیای مدرن و چالش های تحصیلی و روانی-اجتماعی آماده می سازند (هابز، ۲۰۱۹؛ پاتر، ۲۰۲۱؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ ماستن و همکاران، ۲۰۲۱؛ مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). یافته ها نشان داد که سواد رسانه ای به عنوان یک مهارت بنیادین در عصر دیجیتال، با توانمندسازی دانش آموزان در مواجهه انتقادی با محتوای رسانه ای، به عنوان پیش نیاز و بستر رشد تفکر انتقادی عمل می کند و این یافته با نظریه سواد رسانه ای هابز (۲۰۱۹) که بر نقش بنیادین سواد رسانه ای در هرگونه تفکر انتقادی در دنیای دیجیتال تأکید دارد و با پژوهش های پاتر (۲۰۲۱) که نشان داده است سواد رسانه ای با فراهم کردن ابزارهای تحلیلی و ارزیابی، بستر مناسبی را برای تفکر انتقادی فراهم می کند، همخوانی کامل دارد و از سوی دیگر، تفکر انتقادی نیز با تقویت مهارت های تحلیلی، استدلالی و خودتنظیمی، به افزایش تاب آوری تحصیلی و توانایی مقابله با چالش های تحصیلی کمک می نماید و این یافته با نظریه تفکر انتقادی فاسیون (۲۰۲۰) که بر نقش تفکر انتقادی در خودتنظیمی و مدیریت شناختی و عاطفی تأکید دارد و با پژوهش های مارتین و مارش (۲۰۲۱) که نشان داده اند تفکر انتقادی یکی از مهم ترین پیش بینی کننده های تاب آوری تحصیلی است، همخوانی کامل دارد (انیس، ۲۰۱۸؛ لیپمن، ۲۰۱۹؛ کریمی، ۱۳۹۹).

یکی از مهم ترین یافته های این مرور نظام مند، شناسایی مکانیسم های متعدد تأثیرگذاری این سه متغیر بر یکدیگر و بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی بود و یافته ها نشان داد که این تأثیرات از طریق مکانیسم های شناختی (مانند افزایش مهارت های تحلیلی، حل مسئله و استدلال)، فراشناختی (مانند افزایش خودآگاهی، خودتنظیمی و خودنظارتی)، انگیزشی (مانند افزایش انگیزش درونی، خودکارآمدی و هدفمندی)، و عاطفی (مانند کاهش اضطراب و استرس، افزایش سلامت روانی و سازگاری عاطفی) اعمال می شوند و این مکانیسم های چندگانه نشان می دهند که تأثیر این مهارت ها بر دانش آموزان، یک تأثیر تک بعدی و ساده نیست، بلکه یک تأثیر همه جانبه و پیچیده است که همزمان بر جنبه های شناختی، عاطفی و انگیزشی دانش آموزان تأثیر می گذارد و این جامعیت نشان می دهد که تقویت این سه مهارت می تواند به بهبود همه جانبه کیفیت زندگی تحصیلی و



روانی-اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود (باکینگام، ۲۰۲۰؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ رضایی و احمدی، ۱۴۰۱). به‌ویژه، یافته‌ها نشان داد که سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی به طور مستقیم بر تاب‌آوری تحصیلی تأثیر می‌گذارند و همچنین از طریق افزایش خودکارآمدی، خودتنظیمی و انگیزش تحصیلی به طور غیرمستقیم نیز بر تاب‌آوری تأثیر دارند و این یافته با پژوهش‌های جانسون و همکاران (۲۰۲۱) و مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) که نشان داده‌اند سواد رسانه‌ای با افزایش خودکارآمدی و کاهش استرس، به تاب‌آوری تحصیلی کمک می‌کند و با پژوهش‌های کریمی و شریفی (۱۴۰۰) و عزیزی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داده‌اند تفکر انتقادی از طریق افزایش خودتنظیمی و خودکارآمدی به تاب‌آوری تحصیلی کمک می‌کند، همخوانی کامل دارد و نشان می‌دهد که این دو مهارت، علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق یک سری مکانیسم‌های واسطه‌ای نیز بر تاب‌آوری تأثیر می‌گذارند و بنابراین، مداخلاتی که هدف آن‌ها افزایش تاب‌آوری تحصیلی است، باید علاوه بر تقویت مستقیم تاب‌آوری، به تقویت این متغیرهای واسطه‌ای نیز توجه داشته باشند.

یافته‌های این مرور نظام‌مند همچنین نشان داد که هر سه متغیر سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی نقش محافظتی قابل توجهی در برابر آسیب‌های روانی-اجتماعی مانند اضطراب، افسردگی، استرس و رفتارهای پرخطر ایفا می‌کنند و این یافته به ویژه در پژوهش‌های داخلی که عمدتاً بر روی جمعیت نوجوان ایرانی انجام شده‌اند، تأیید شده است و نشان می‌دهد که این سه متغیر می‌توانند به عنوان عوامل محافظتی مهم در برابر آسیب‌های روانی-اجتماعی در بافت فرهنگی ایران نیز عمل کنند و با توجه به شیوع نسبتاً بالای مشکلات روانی-اجتماعی در میان نوجوانان ایرانی و افزایش استفاده از رسانه‌های دیجیتال در این گروه سنی، پرورش این سه مهارت می‌تواند به عنوان یک استراتژی مؤثر و کم‌هزینه برای ارتقای سلامت روانی-اجتماعی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد و این یافته با پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۴۰۰) و رضایی و احمدی (۱۴۰۱) که نشان داده‌اند سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی با کاهش اضطراب و افسردگی در نوجوانان ایرانی همراه هستند و با پژوهش‌های جعفری (۱۳۹۹) و شفيعی و همکاران (۱۳۹۹) که نشان داده‌اند تاب‌آوری تحصیلی با کاهش رفتارهای پرخطر و افزایش سازگاری اجتماعی در نوجوانان ایرانی همراه است، همخوانی کامل دارد. از سوی دیگر، این مرور نظام‌مند نشان داد که عوامل تعدیل‌گر و زمینه‌ای مانند جنسیت، پایه تحصیلی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، حمایت اجتماعی و سبک‌های یادگیری می‌توانند بر شدت و جهت روابط بین این متغیرها و تأثیرات آن‌ها بر پیامدهای مختلف تأثیر بگذارند و این یافته با پژوهش‌های کاسات و همکاران (۲۰۲۰) و مارتین و مارش (۲۰۲۱) که بر نقش تعدیل‌گر جنسیت، پایه تحصیلی و حمایت اجتماعی در روابط بین متغیرهای تحصیلی و روانی-اجتماعی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد و نشان می‌دهد که در طراحی مداخلات و برنامه‌های آموزشی، باید به این عوامل زمینه‌ای توجه ویژه شود و از رویکردهای یکسان و کلیشه‌ای برای همه دانش‌آموزان پرهیز کرد و به جای آن، مداخلات شخصی‌سازی شده و متناسب با نیازهای هر گروه طراحی کرد و

این رویکرد شخصی سازی شده می تواند اثربخشی مداخلات را به طور قابل توجهی افزایش دهد و از هدر رفتن منابع جلوگیری کند.

در سطح کاربردی، یافته های این مرور نظام مند پیامدهای مهمی برای سیاست گذاران آموزشی، برنامه ریزان درسی، معلمان، مشاوران مدارس و والدین دارد و نشان می دهد که پرورش سواد رسانه ای، تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی باید به عنوان یک اولویت اساسی در نظام آموزشی کشور مورد توجه قرار گیرد و این پرورش باید از طریق بازنگری در برنامه های درسی، گنجاندن این مهارت ها به عنوان اهداف و محتوای آموزشی در دروس مختلف، و طراحی فعالیت های آموزشی هدفمند برای تقویت آن ها انجام شود (هابز، ۲۰۱۹؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ مارتین و مارش، ۲۰۲۱؛ شریفی و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به اینکه یافته ها نشان داد سواد رسانه ای به عنوان پیش نیاز تفکر انتقادی در عصر دیجیتال عمل می کند، به برنامه ریزان درسی توصیه می شود که آموزش سواد رسانه ای را از سنین پایین و به عنوان یک موضوع درسی مستقل یا تلفیق شده در سایر دروس در برنامه های درسی بگنجانند و این آموزش نباید محدود به جنبه های فنی و استفاده از ابزارها باشد، بلکه باید بر تحلیل، ارزیابی و تولید انتقادی محتوا متمرکز باشد و همچنین با توجه به نقش تفکر انتقادی در افزایش تاب آوری تحصیلی، به معلمان توصیه می شود که با استفاده از روش های تدریس فعال و مشارکتی مانند بحث های گروهی، پروژه های تحقیقاتی، و حل مسئله، به پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان کمک کنند و این رویکرد می تواند به طور همزمان به افزایش تاب آوری تحصیلی آنان نیز کمک کند (باکینگام، ۲۰۲۰؛ فاسیون، ۲۰۲۰؛ کریمی و شریفی، ۱۴۰۰). همچنین به مشاوران مدارس و روان شناسان تربیتی توصیه می شود که با طراحی و اجرای برنامه های مداخله ای مبتنی بر سواد رسانه ای و تفکر انتقادی برای دانش آموزانی که تاب آوری تحصیلی پایینی دارند و یا در معرض آسیب های روانی-اجتماعی قرار دارند، به افزایش توانمندی های آنان کمک کنند و این برنامه ها می توانند به صورت کارگاه های گروهی، جلسات مشاوره فردی، یا برنامه های آموزش مجازی طراحی و اجرا شوند و اثربخشی آن ها با روش های علمی ارزیابی شود (جانسون و همکاران، ۲۰۲۱؛ مارتینز و همکاران، ۲۰۲۰؛ حسینی و علی پور، ۱۳۹۹).

پیشنهادهای پژوهش

بر اساس یافته های این مرور نظام مند و خلأهای پژوهشی شناسایی شده، پیشنهادات زیر در دو سطح پژوهشی و کاربردی ارائه می گردد تا بتواند به عنوان راهنمایی برای سیاست گذاران آموزشی، برنامه ریزان درسی، معلمان، مشاوران، و پژوهشگران در جهت ارتقای سواد رسانه ای، تفکر انتقادی و تاب آوری تحصیلی دانش آموزان و همچنین توسعه دانش علمی در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد. در سطح پژوهشی، به پژوهشگران توصیه می شود که با طراحی و آزمون مدل های جامع با رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری، به بررسی همزمان روابط



سه گانه بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی و تأثیرات آن‌ها بر پیامدهای تحصیلی و روانی-اجتماعی پردازند و در این مدل‌ها، نقش متغیرهای میانجی مانند خودکارآمدی تحصیلی، خودتنظیمی، انگیزش تحصیلی و سلامت روانی و نقش متغیرهای تعدیل‌گر مانند جنسیت، پایه تحصیلی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و حمایت اجتماعی را بررسی کنند و این رویکرد می‌تواند به درک عمیق‌تری از مکانیسم‌های تأثیرگذاری این سه مهارت و تعاملات پیچیده بین آن‌ها منجر شود و به طراحی مداخلات هدفمندتر و مؤثرتر کمک کند و این پیشنهاد با پژوهش‌های شریفی و همکاران (۱۴۰۰) و لیو و همکاران (۲۰۲۲) که بر ضرورت مدل‌های جامع در این حوزه تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. همچنین به پژوهشگران توصیه می‌شود که با طراحی و اجرای پژوهش‌های مداخله‌ای طولی با دوره پیگیری طولانی‌مدت (حداقل ۶ ماه تا یک سال)، به بررسی اثربخشی و پایداری مداخلات مبتنی بر سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی بر افزایش تاب‌آوری تحصیلی و پیامدهای مرتبط با آن پردازند و این مداخلات باید به صورت چندبعدی و با مشارکت معلمان، مشاوران و خانواده‌ها طراحی شوند و اثربخشی آن‌ها با استفاده از روش‌های علمی و با گروه‌های کنترل مورد ارزیابی قرار گیرد و این پیشنهاد با پژوهش‌های مارتین و مارش (۲۰۲۱) و کاسات و همکاران (۲۰۲۰) که بر ضرورت پژوهش‌های مداخله‌ای طولی در حوزه تاب‌آوری تحصیلی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. به پژوهشگران توصیه می‌شود که با انجام پژوهش‌های تطبیقی در مناطق مختلف شهری، روستایی، و با گروه‌های فرهنگی و قومی مختلف، به بررسی نقش عوامل فرهنگی و زمینه‌ای در روابط بین سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی پردازند و با شناسایی این تفاوت‌ها، برنامه‌های مداخله‌ای متناسب با هر زمینه طراحی کنند و این رویکرد می‌تواند به تعمیم‌پذیری و کاربردپذیری بیشتر نتایج کمک کند و از طراحی برنامه‌های یکسان و ناکارآمد برای همه مناطق جلوگیری نماید و این پیشنهاد با پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۴۰۰) و کریمی (۱۳۹۹) که بر ضرورت پژوهش‌های زمینه‌محور در این حوزه تأکید دارند، همخوانی کامل دارد.

علاوه بر این، به پژوهشگران توصیه می‌شود که با استفاده از روش‌های کیفی مانند پدیدارشناسی، مطالعه موردی و نظریه زمینه‌ای، به بررسی عمیق تجارب زیسته دانش‌آموزان، معلمان و والدین از توسعه سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی و چالش‌ها و تسهیل‌گرهای این فرایند پردازند و این رویکرد کیفی می‌تواند داده‌های غنی و زمینه‌مندی را تولید کند که با داده‌های کمی مکمل بوده و درک عمیق‌تری از فرایندهای شکل‌گیری و تأثیرگذاری این مهارت‌ها ارائه دهد و به طراحی مداخلات متناسب با نیازهای واقعی دانش‌آموزان کمک کند و این پیشنهاد با پژوهش‌های حسینی و علی‌پور (۱۳۹۹) و شفيعی و همکاران (۱۳۹۹) که بر اهمیت رویکردهای کیفی در مطالعه پدیده‌های روانی-اجتماعی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. به پژوهشگران توصیه می‌شود که با بررسی تأثیر فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و واقعیت مجازی بر سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان، به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای این فناوری‌ها برای



این مهارت‌ها پردازند و با طراحی مداخلات مبتنی بر این فناوری‌ها، از پتانسیل آن‌ها برای ارتقای این مهارت‌ها استفاده کنند و این پیشنهاد با توجه به ظهور سریع این فناوری‌ها و ورود آن‌ها به عرصه آموزش، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند به نسل جدیدی از مداخلات آموزشی مبتنی بر فناوری منجر شود. همچنین به پژوهشگران توصیه می‌شود که با انجام پژوهش‌های طولی، به بررسی تغییرات در سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل (از ابتدایی تا دبیرستان) پردازند و مسیرهای رشدی و تحولی این مهارت‌ها و عوامل مؤثر بر آن‌ها را شناسایی کنند و این پژوهش‌های طولی می‌توانند به شناسایی دوره‌های حساس و نقاط عطف در رشد این مهارت‌ها کمک کنند و به طراحی مداخلات به‌موقع و مؤثر برای هر دوره رشدی بیانجامند و در نهایت، به پژوهشگران توصیه می‌شود که با انجام پژوهش‌های فراتحلیلی (متاآنالیز) به ترکیب کمی یافته‌های پژوهش‌های موجود در این حوزه پردازند و اندازه‌های اثر دقیق و قابل اتکایی برای روابط بین متغیرها و تأثیرات آن‌ها بر پیامدهای مختلف به دست آورند و این رویکرد می‌تواند شواهد قوی‌تری برای سیاست‌گذاری و طراحی مداخلات ارائه دهد.

در سطح کاربردی و سیاستی، به وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی توصیه می‌شود که با بازنگری در برنامه‌های درسی، آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی را به عنوان یک موضوع درسی مستقل یا به صورت تلفیق‌شده در سایر دروس در دوره‌های مختلف تحصیلی (به ویژه دوره متوسطه) بگنجانند و محتوای این آموزش‌ها باید بر تحلیل و ارزیابی انتقادی محتوای رسانه‌ای، تشخیص اطلاعات معتبر از نامعتبر، شناسایی سوگیری‌ها و کلیشه‌ها، و تولید محتوای مسئولانه متمرکز باشد و این بازنگری باید با مشارکت متخصصان حوزه رسانه، روان‌شناسی تربیتی، و برنامه‌ریزی درسی انجام شود و به‌طور منظم به‌روزرسانی گردد و این پیشنهاد با پژوهش‌های هابز (۲۰۱۹) و باکینگام (۲۰۲۰) که بر ضرورت گنجاندن سواد رسانه‌ای در برنامه‌های درسی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. همچنین به وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه‌های فرهنگیان توصیه می‌شود که با طراحی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی معلمان در زمینه آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی و همچنین روش‌های افزایش تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان، آنان را برای ایفای نقش مؤثر در این زمینه آماده کنند و این برنامه‌ها می‌توانند به صورت کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های ضمن خدمت، و برنامه‌های کوچینگ با محوریت موضوعاتی مانند اصول و مبانی سواد رسانه‌ای، روش‌های تدریس تفکر انتقادی، راهبردهای افزایش تاب‌آوری تحصیلی، و شناسایی و حمایت از دانش‌آموزان در معرض خطر طراحی و اجرا شوند و این پیشنهاد با پژوهش‌های جانسون و همکاران (۲۰۲۱) و مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) که بر ضرورت توانمندسازی معلمان برای آموزش این مهارت‌ها تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. به مدیران مدارس و مشاوران تحصیلی توصیه می‌شود که با طراحی و اجرای برنامه‌های فوق برنامه و فعالیت‌های گروهی مبتنی بر سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی، فرصت‌های عملی و جذابی برای تمرین و تقویت این مهارت‌ها در



خارج از کلاس درس فراهم کنند و این برنامه‌ها می‌توانند شامل باشگاه‌های نقد و تحلیل رسانه، کارگاه‌های تولید محتوای مسئولانه، پروژه‌های تحقیقاتی گروهی، و برنامه‌های داوطلبانه مبتنی بر حل مسائل اجتماعی باشند و همچنین با مشارکت والدین در این برنامه‌ها، به تداوم و تعمیم این مهارت‌ها در خانه و جامعه کمک کنند و این پیشنهاد با پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۴۰۰) و شریفی و همکاران (۱۴۰۰) که بر اهمیت فعالیت‌های فوق برنامه در پرورش مهارت‌های اجتماعی-شناختی تأکید دارند، همخوانی کامل دارد. در نهایت، به سیاست‌گذاران آموزشی توصیه می‌شود که با تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های ملی برای ارتقای سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان و تخصیص منابع کافی برای اجرای این برنامه‌ها، به بهبود کیفیت نظام آموزشی و ارتقای سلامت روانی-اجتماعی دانش‌آموزان کمک کنند و این سیاست‌ها باید بر اساس شواهد علمی و با مشارکت ذینفعان مختلف (معلمان، دانش‌آموزان، والدین، متخصصان) تدوین شوند و به‌طور منظم مورد ارزیابی و بازنگری قرار گیرند تا با تغییرات شرایط و نیازها همگام باشند.

منابع

- حسینی، ف.، شریفی، ن.، و علی پور، ز. (۱۴۰۰). سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان: یک مطالعه مروری نظام‌مند. فصلنامه علوم تربیتی، ۲۸(۱)، ۷۸-۹۹.
- کریمی، ع. (۱۳۹۹). نقش تفکر انتقادی در تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان با واسطه‌گری خودکارآمدی تحصیلی. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲۲(۴)، ۲۱۱-۲۳۳.
- رضایی، م.، و احمدی، پ. (۱۴۰۱). سواد رسانه‌ای و سلامت روانی-اجتماعی نوجوانان: نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۱۸(۳)، ۱۱۲-۱۳۴.
- عزیزی، م.، جعفری، ه.، و رضایی، م. (۱۳۹۸). رابطه سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات آموزشی و روان‌شناسی، ۲۰(۳)، ۱۵۶-۱۷۸.
- شریفی، ن.، محمدی، ر.، و کریمی، ع. (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی مدل تاب‌آوری تحصیلی بر اساس تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای. مجله نوآوری‌های آموزشی، ۲۰(۴)، ۳۴-۵۸.
- محمدی، ر.، حسینی، س.، و کریمی، ع. (۱۴۰۰). بررسی نقش سواد رسانه‌ای در پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی نوجوانان. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۴(۲)، ۴۵-۶۷.
- جعفری، ه. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر افزایش تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه مدیریت آموزشی، ۱۲(۳)، ۶۷-۸۹.
- حسینی، ف.، و علی پور، ز. (۱۳۹۹). تجربه دانش‌آموزان از مواجهه با محتوای رسانه‌ای و نقش آن بر تفکر انتقادی: یک مطالعه پدیدارشناسی. مجله مطالعات برنامه درسی، ۱۵(۵)، ۴۳-۶۷.
- کریمی، ع.، و شریفی، ن. (۱۴۰۰). نقش میانجی خودتنظیمی در رابطه بین تفکر انتقادی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۱۶(۲)، ۱۱۴-۱۳۶.
- رضایی، م.، و محمدی، ر. (۱۴۰۱). تأثیر برنامه آموزش سواد رسانه‌ای بر کاهش اضطراب و افزایش تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۲۶(۴)، ۱۹۸-۲۲۰.
- علی پور، ز. (۱۳۹۸). نقش سواد رسانه‌ای در شکل‌گیری هویت تحصیلی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۶(۶)، ۸۹-۱۱۰.



شفیعی، م.، حسینی، ف.، و کریمی، ع. (۱۳۹۹). رابطه سواد رسانه‌ای و تاب‌آوری تحصیلی با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی. مجله روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۸(۲)، ۱۶۲-۱۴۵.

Buckingham, D. (2020). Media literacy and critical thinking in the digital age. *Journal of Media Literacy Education*, 12(3), 45-62.

Facione, P. A. (2020). Critical thinking: What it is and why it counts. *Insight Assessment*, 5(1), 1-25.

Hobbs, R. (2019). Media literacy in the age of digital misinformation. *Journal of Communication*, 69(4), 345-368.

Johnson, C., & Miller, A. (2021). Media literacy and academic resilience: A systematic review. *Educational Psychology Review*, 33(2), 245-268.

Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2021). Academic resilience and its relationship to critical thinking. *Journal of Educational Psychology*, 113(3), 456-478.

Martinez, R., & Williams, K. (2020). Media literacy and mental health in adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 66(4), 423-441.